

رابطه میان عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت

سیمین ویسی**

ابوتراب طالبی*

چکیده

عشق رمانتیک به عنوان یکی از معیارهای انتخاب همسر در جامعه امروزی، ناظر به معیارهای فردی و ذهنی و همچنین معیارهای ظاهری است. از آنجا که عشق رمانتیک ریشه در فرهنگ غربی داشته و با معیارهای سنتی جامعه ما مطابق نیست، بررسی رابطه آن با تحقق ارزش‌های زوجیت ضروری به نظر رسید. برای بررسی این پدیده از نظریه زبان جهانی عشق هندریکس و نظریه استرنبرگ استفاده شده است. داده‌های تحقیق با روش پیمایش جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق، زوجین ساکن شهر تهران بودند که ۱۸۰ نفر از آن‌ها زندگی زناشویی طبیعی داشته و ۱۲۰ نفر از آن‌ها در نیمه اول سال ۸۹ طلاق گرفته بودند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد زوجین در آستانه طلاق، براساس معیار عشق رمانتیک ازدواج کرده‌اند ولی زندگی آن‌ها با مشکل مواجه شده است و همین امر حاکی است که عشق رمانتیک متضمن زندگی موفقیت‌آمیز نیست. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در میان افراد جدا شده از همسر، عشق رمانتیک قوی‌ترین همبستگی را با کشش جنسی داشته است، درحالی‌که بین افراد با زندگی زناشویی رضایت‌بخش، عشق رمانتیک دربستر ارزش‌های اخلاقی زوجیت جریان دارد. این مقاله بیان می‌کند چنانچه بین احساسات و عواطف، خودآگاهی فردی و همراه نمودن آن با اصول اخلاقی تلفیق مناسبی صورت گیرد، می‌توان در ازدواج ترکیب متعادلی از عقل و احساس را ایجاد و به ازدواج‌های موفقیت‌آمیزی در جامعه دست یافت.

واژگان کلیدی

ارزش‌های زوجیت، عشق رمانتیک، همسرگزینی، خانواده، طلاق، اخلاق

*- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی tatabebi@yahoo.com

** - کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی

۱- مقدمه و طرح مسئله

در زندگی انسان از میان تمام نهادها و سازمان‌های اجتماعی، خانواده نقشی خاص و اهمیتی بسزا دارد. تمامی آنان که در باب جامعه اندیشیده‌اند، همه مصلحین، حتی رویاگران و آنان که به اتوپیا روی کردند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند. به درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد (ساروخانی ۱۳۸۱: ۱۱). مطابق آمار منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور در سال ۸۸ نسبت طلاق به ازدواج بیشترین رقم را نسبت به سال‌های گذشته داشته است به طوری که از هر ۱۰۰ ازدواج، ۱۴/۲۶ مورد به طلاق منجر شده است. در این میان چگونگی همسرگزینی در شکل دادن ویژگی و سرانجام خانواده نقش اساسی دارد. دگرگونی‌های سریع چون پیدایش شهرهای بزرگ، مهاجرت سریع روستاییان به شهر و گسترش وسایل ارتباطی موجب بروز تغییرات همه جانبه‌ای در امر انتخاب همسر شده است. در کشور ما نیز با تسریع فرایند مدرنیزاسیون - به خصوص توسعه شهرنشینی - از یک طرف امکان ورود جوانان به اجتماع و در نتیجه رویارویی و امکان آشنایی و ازدواج بین افراد با الگوهای متفاوت بیشتر شده است و از طرف دیگر با گسترش فردگرایی که خود از نتایج گسترش مدرنیزاسیون است افراد برای انتخاب همسر به معیارهای عشق رمانتیک متوسل می‌شوند. برخی ادعا می‌کنند که امروزه ازدواج از قید و بند خانواده رها شده، اندک

اندک برخی از قیود اجتماعی نیز کنار می‌روند و به صورت آشکار و پنهان تنها بر عشق و علاقه و امیال زوج تأکید می‌شود (اعزازی ۱۳۷۶: ۱۰۰). گیدنز می‌گوید: «امروزه ازدواج بیش از پیش به صورت رابطه‌ای درآمدی است که دلیل پیدایش و ادامه آن احساس رضایت عاطفی خاصی است که از همزیستی و ارتباط نزدیک با همسر مطلوب حاصل می‌شود» (گیدنز ۱۳۷۸: ۱۳۱). عشق رمانتیک به عنوان جلوه‌ای از عشق مدرن در جوامع در حال توسعه و از جمله در جامعه ما رخ نموده است (صادقی فر ۱۳۸۷: ۱۱۱).

معمولاً عشق رمانتیک بر اساس میل و کشش نسبت به طرف مقابل ارزیابی می‌شود. در واقع عشق رمانتیک باعث می‌شود به دلیل احساس تطابق طرف مقابل با ویژگی‌ها و معیارهای ذهنی و شخصی فرد نوعی کشش نسبت به او احساس شود. هدف مقاله حاضر این است که مشخص کند تا چه حد به‌کارگیری عشق رمانتیک باعث تحقق ارزش‌های زوجیت می‌شود. در این مقاله ارزش‌های زوجیت در واقع همان ارزش‌های اخلاقی است که بر اساس الگوهای فرهنگی ایرانی - اسلامی، زوجین از همسر خود انتظار رعایت آن‌ها را دارند و تحقق آن‌ها باعث رضایت از زناشویی می‌شود. در صورت محقق نشدن این انتظارات بنیان خانواده در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. ارزش‌های اخلاقی در واقع همان ارزش‌های اجتماعی هستند که با بیشترین فشار اخلاقی همراه‌اند و درون مایه اخلاق شخصی فرد را می‌سازند. شخص تعهد وجدانی دارد که آن‌ها را محترم بشمارد و جامعه

نیز فعالانه شرایط ایفای این تعهد را تأمین می‌کند (نیک گهر ۱۳۸۳: ۲۱۸). به عبارت دیگر در این مقاله منظور از ارزش‌های زوجیت، ارزش‌های اخلاقی هستند که در ازدواج و رابطه زوجیت کارکرد دارند. با بررسی چگونگی تحقق یا عدم تحقق ارزش‌های زوجیت می‌توان موفقیت و یا عدم موفقیت در ازدواج را ارزیابی کرد. در واقع می‌توان این سؤال را پرسید که آیا عشق رمانتیک - که به عنوان جلوه‌ای از فرهنگ مدرن و فردگرایی ناشی از آن در مناسبات میان افراد پیش از ازدواج - می‌تواند پس از ازدواج نیز باعث تحقق ارزش‌های زوجیت گردد.

ارزش‌های زوجیت مفهومی است که در این تحقیق جایگزین مفهوم رضایت از زوجین شده و شامل کلیه ارزش‌های اخلاقی است که با وجود آن‌ها در رابطه زوجین، می‌توان رابطه موفق را انتظار داشت. این اصول اخلاقی خود به دو بخش ارزش‌های عام‌تر اخلاقی و نیز اصول ارزشی که خاص روابط زوجیت هستند تقسیم می‌شوند.

در سال‌های اخیر با افزایش فردگرایی در جامعه، خانواده و به خصوص همسرگزینی نیز از این جریان متأثر بوده است. تبلور این مسئله در معیارهای جوانان برای انتخاب همسر - که براساس عشق رمانتیک است - مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد عشق رمانتیک - که نتیجه سیر تاریخی در فرهنگ مغرب زمین است - به عنوان پدیده فرهنگی، یکی از معیارهای برخی از جوانان امروزی برای انتخاب همسر شده است. این در حالی است که

تا دهه‌های پیش شکل غالب ازدواج‌ها در ایران «ازدواج تنظیم شده» بود؛ یعنی ازدواجی که در آن بیشتر مصالح اجتماعی ملاک بود، اما امروزه با رواج فردگرایی و توجه افراد به عشق رمانتیک در انتخاب همسر، در خانواده‌های ایرانی تغییری اساسی در حال وقوع است.

بدیهی است وجود یک خانواده سالم و موفق تنها در صورتی امکان‌پذیر است که ارزش‌های اخلاقی حافظ روابط زوجین و پاسدار خانواده - که در این مقاله در ارزش‌های زوجیت نامیده می‌شود - محقق شود. بنابراین این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که آیا به کارگیری عشق رمانتیک در انتخاب همسر تأثیری در تحقق و یا عدم تحقق ارزش‌های زوجیت خواهد داشت یا خیر؟

۲- پیشینه تحقیق

بیشتر تحقیقات مرتبط با موضوع این مقاله، در حوزه همسرگزینی و چگونگی روابط زنان و مردان انجام شده است؛ برای نمونه کفارت تحقیقی را در میان دانشجویان سفیدپوست از پنج دانشگاه در فیلادلفیا و نواحی اطراف آن انجام داد. نتایج این تحقیق تفاوت‌های تأمل برانگیزی را در گرایش‌های رمانتیک زنان و مردان آشکار ساخت. زنان حتی با کنترل متغیر سن نیز تجربیات رمانتیک بیشتری از مردان داشتند. البته این تفاوت‌ها با نزدیک شدن به زمان ازدواج کاهش یافته و رقم‌های گزارش شده برای مردان با رسیدن به زمان ازدواج معکوس می‌شوند (kephart1967:470-474).

در سال ۱۹۷۸ ویلکینسون ۲۴ گروه را در میان فرهنگ‌های مختلف آمریکا آزمایش کرده و همبستگی قوی را بین این دو متغیر به دست آورده است. نتایج تحقیق حاکی است، در فرهنگ‌های زیر تأثیر عشق رمانتیک در ازدواج به حداکثر می‌رسد:

(۱) ازدواج‌هایی که دو جوان در مدت طولانی ملاقات‌ها و دوره نامزدی اجازه معاشرت آزادانه دارند، اما در مورد روابط جنسی با محدودیت‌هایی مواجه‌اند؛

(۲) جوامعی که افراد متأهل را از روابط جنسی و رمانتیک خارج از چارچوب ازدواج منع می‌کنند؛

(۳) جامعه‌ای که اعضای خود را متقاعد می‌کنند که عشق رمانتیک، ازدواج و روابط جنسی در کنار هم قرار می‌گیرند (Wilkinson 1978: 141-148).

اکرم صادقی فر تحقیقی با عنوان «بررسی وضعیت عشق در ازدواج و چگونگی تغییر آن در طول زندگی مشترک» انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان عشق را با رابطه جنسی تعریف می‌کنند. مصاحبه‌شوندگان با اشاره به زندگی مشترک خود به عواملی اشاره کردند که پس از مدتی سبب کم‌رنگ شدن عشق در زندگی آن‌ها شده است. این مسائل شامل آشکار شدن نقص‌ها و منطبق نبودن تصویر ذهنی ایده‌آل با واقعیت، برآورده نشدن توقعات و نیازها (جسمی، جنسی، روانی، عاطفی)، پذیرفته نشدن طرف مقابل و تساهل در رابطه، بی‌توجهی و غفلت در رابطه،

رابطه میان عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت

نبود امکان نقد و گفت‌وگوی صادقانه، نبود پویایی و رشد فردی، نبود تلاش برای شناخت خود و دیگری، توجه نکردن به حوزه شخصی طرف مقابل، مسائل فرهنگی و مشکل خانواده‌ها، مسائل مالی، عادی شدن و روزمرگی، احساس محصور شدن و تحت مالکیت درآمدن بودند (صادقی فر ۱۳۸۷).

منصوره تبریزی تحقیقی را با عنوان «رضایت از رابطه زناشویی از رهگذر کنش اخلاقی» انجام داده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق بسیاری از مؤلفه‌هایی که از نگاه زوجین پیش شرط رابطه رضایت‌بخش است، مؤلفه‌های اخلاقی هستند. به نظر همه افراد مفاهیمی چون صداقت، مسئولیت‌پذیری، اعتماد و گذشت نمونه پیش شرط تحقق مؤلفه‌هایی چون کسب احترام، صمیمیت و محبت به شمار می‌آیند (تبریزی ۸۸-۱۳۸۷).

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور بحث‌های دقیق‌تری در مورد عشق رمانتیک در مناسبات زن و مرد انجام داده‌اند، در حالی که تحقیقات داخلی اغلب به صورت کلیشه‌ای - یعنی داشتن نگاه استعلایی و گذرا - مسئله عشق را مطرح کرده و شاخص‌های روشنی برای سنجش میزان آن در انتخاب همسر به دست نمی‌دهند. نواقص مطالعات تجربی پیرامون موضوع در ایران، در تبیین نظری مسئله نیز به چشم می‌خورد.

مفهوم «رضایت زناشویی» از مفاهیمی است که در مفهوم‌سازی تحقیقات پیشین در ایران پیرامون زندگی خانوادگی زوجین، بسیار به چشم می‌خورد و بیشتر کلی و تکراری و غیر منطبق با شرایط فرهنگی جامعه ماست. به نظر می‌رسد ازدواج و زندگی خانوادگی در ایران جنبه‌های ارزشی و اخلاقی گسترده‌تری دارد. از این رو در این مقاله با توجه به شرایط فرهنگی ایران و نیز مطالعات انجام شده از مفهومی به نام «ارزش‌های زوجیت» استفاده شده است. به نظر می‌رسد این مفهوم به نسبت دقیق‌تر و با ویژگی‌ها و شرایط فرهنگی - تاریخی جامعه ما منطبق‌تر است. در این مقاله تلاش شده است ابتدا موضوع عشق را از حالت ذهنی و استعلایی خارج کرده و آن را به عنوان یک مسئله قابل سنجش در ارتباط با شخصیت و گذشته زوجین بررسی کرد و سپس میزان بهره‌گیری از عشق رمانتیک و تأثیر آن در تحقق «ارزش‌های زوجیت» بررسی خواهد شد.

۳- مبانی نظری

بر اساس مطالعات اجتماعی، خانواده مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین نهاد در همه جوامع بوده است. در هر نهادی از جمله خانواده، اصول و ارزش‌های اخلاقی حاکم‌اند که با تنظیم مناسبات و تأمین تعلقات جمعی زمینه استحکام نهادها و عملکرد مناسب آن‌ها را فراهم می‌کنند. خانواده - به‌خصوص در ایران - همواره از طریق ارزش‌های اخلاقی - که صبغه دینی و فرهنگی دارند - حمایت شده است. در این مقاله ارزش‌های اخلاقی با عنوان

ارزش‌های زوجیت یاد خواهند شد.

با توسعه مدرنیزاسیون و جهانی شدن، نهاد خانواده و ازدواج نیز دستخوش تغییراتی شده است. این تغییرات در راستای توسعه فردگرایی بوده و در کشور ما نیز به وقوع پیوسته است. تا سالیان گذشته در شکل‌گیری نهاد خانواده و همسرگزینی معیارهای فرهنگ و مصالح جمعی مقدم بر فردگرایی بوده است؛ اما طی دهه‌های اخیر معیارهای فردی و عشق رمانتیک به عنوان عامل مهمی در انتخاب همسر درآمده است.

عشق رمانتیک - که در فرهنگ غربی ریشه دارد - بیشتر به مسائل فردی و ظاهری اشاره دارد؛ مسائل فردی و ذهنی مانند ایده‌آل‌گرایی و یافتن نیمه گمشده که به شدت با گذشته فردی و خانوادگی اشخاص در ارتباط است و مسائل ظاهری مانند توجه به زیبایی و کشش جنسی نسبت به طرف مقابل و همچنین وجود صمیمیت بین زوجین. این مسئله موجب می‌شود ارزش‌های اخلاقی زوجیت - که تأمین‌کننده آسایش دیگری و قوام بخش زندگی خانوادگی است - با تنگناهای جدی مواجه شود.

این تحقیق به دنبال کشف این حقیقت است که ورود عشق رمانتیک به مسئله همسرگزینی در کشور ما تا چه حد باعث و یا مانع تحقق ارزش‌های زوجیت که ضامن دوام زندگی زناشویی است، خواهد شد.

ارزش‌های زوجیت: در این مقاله مفهوم ارزش به معنای «معیارهای انتخاب» که مشخص‌کننده وضع مطلوب امور هستند به کار گرفته شده است. منظور از ارزش‌های زوجیت نیز معیارهای انتخاب در مناسبات زوجیت است که وضعیت مطلوب و به سامان را از وضع نامطلوب و نابسامان متمایز می‌کند.

در تبیین ارزش‌های زوجیت دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. گولستون و گلدبرگ در کتاب «شش راز عشق پایدار» شش ویژگی را به عنوان ارزش‌های زناشویی که سبب استحکام زندگی مشترک می‌شوند ذکر می‌کنند. این ارزش‌ها عبارت‌اند از: کشش جنسی، احترام، لذت، پذیرش، اعتماد و همدلی. در این نظریه اولین ارزش، کشش جنسی است که منظور از آن نه تنها داشتن احساسات جسمی نسبت به همسر بلکه حتی در یک عشق به کمال رسیده شامل کشش روحی بین زوجین هم می‌شود. اصل دوم احترام است، یعنی هر یک از زوجین برای همسر خود ارزش قائل است و نسبت به او توجهی مؤدبانه دارد و در مقابل همین رفتار را از همسرش انتظار دارد. اصل سوم لذت است. براساس این اصل زمانی که زوجین از کنار هم بودن احساس لذت کنند، سعی می‌کنند بیشتر برنامه‌ریزی‌های زندگی خود را بر اساس با هم بودن و در کنار هم بودن تنظیم کنند.

چهارمین اصل پذیرش است. پذیرش به معنای پذیرفتن طرف مقابل است البته نه به این معنا که همه ویژگی‌های او را بپذیرد بلکه به این معنا که ارزش‌های اساسی همسر را به خوبی شناخته و به علت داشتن این شناخت نسبت به او، وی را لایق عشق و احترام می‌داند. اصل پنجم اعتماد بین زوجین است. به طور کلی اعتماد یک ارزش اخلاقی مهم در روابط بین فردی است که در زندگی مشترک اهمیت دو چندانی می‌یابد. آخرین اصل همدلی است، همان چیزی که با عنوان درک متقابل از آن یاد می‌شود. زوجی که با هم همدلی دارند موقعیت، احساسات و انگیزه‌های طرف مقابل را به خوبی شناخته و بنابراین رابطه موفقیت‌آمیزی را خواهند داشت (گولستون و گلدبرگ ۱۳۸۴: ۲۸۴-۵۲).

بر این اساس و نیز با بررسی سایر ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایران و همچنین پژوهش‌های انجام شده، می‌توان چهارده معیار ارزیابی را به عنوان «ارزش‌های زوجیت» در ایران دانست. این ارزش‌ها عبارت‌اند از: خوش اخلاقی، صداقت، گذشت، مسئولیت‌پذیری، تحمل مشکلات، نجابت، همدلی، اعتماد، پذیرش، لذت، احترام، کشش جنسی، تمکین و وفاداری.

عشق رمانتیک: در تبیین عشق رمانتیک از سه نظریه استفاده شده است؛ اولین نظریه دیدگاه استرنبرگ در مورد عشق است که به نظریه مثالی عشق معروف است. عشق کامل از دیدگاه استرنبرگ سه جزء اساسی دارد. این اجزا عبارت‌اند از: صمیمیت، شور جنسی یا میل و تعهد. از نظر استرنبرگ

صمیمیت و کشش یا شور جنسی، عشق رمانتیک را به وجود می‌آورند و شامل هیجانانگیز و کششی است که بین دو نفر وجود دارد (خدایی ۱۳۸۵: ۸۶). عنصر صمیمیت به نزدیکی میان طرفین ازدواج و از بین رفتن مرزهای عاشقانه مربوط می‌شود. هنگامی که دو نفر صمیمیت را وارد رابطه خود می‌کنند تا حد زیادی از قید و بندهای عاشقانه فراتر می‌روند. صمیمیت هنگامی پیش می‌آید که زن و مرد ارتباطی عمیق و صادقانه با یکدیگر برقرار کنند و این امر موجب می‌شود تا با یکدیگر همدلی کرده و در مواقع نیازمندی بتوانند به یکدیگر کمک کنند.

یکی دیگر از نظریات در تبیین عشق رمانتیک، نظریه «نمونه ایده‌آلی ناآگاه» از کارل یونگ است. بر اساس این نظریه، هر فرد به دنبال یافتن همسری است که ویژگی‌های رفتاری مشابه با خود را داشته باشد و وجود فردی از هر نظر مشابه با یک انسان برای بقای نوع بشر لازم و ضروری است. برای هر فرد داشتن یک ایده‌آل ذهنی که از قبل در ذهن او وجود دارد و گمان می‌کند که باید از هر جهت مانند وی باشد یعنی مثل او بیاندیشد، مثل او تصمیم بگیرد و مثل او رفتار کند، از ویژگی‌های عشق رمانتیک است (تبریزی ۱۳۸۸: ۳۵). در واقع وجود چنین ایده‌آلی در ذهن افراد که حاصل تجارب گذشته آن‌هاست اجتناب‌ناپذیر بوده و خود یکی از وجوه مهم عشق رمانتیک است. بنابراین برخلاف تصور، انتخاب همسر بر اساس عشق امری کاملاً غیر عقلانی نبوده بلکه بر اساس منطق خاص می‌باشد که این منطق

ریشه در تجارب، گذشته، ایده‌آل‌ها و به طور کلی شخصیت افراد دارد. نظریه سوم، نظریه زبان جهانی عشق هندریکس است. براساس نظریه «زبان جهانی عشق» همه افراد در کودکی ویژگی‌های کودکانه‌ای را داشتند که والدین برای ورود به مرحله بزرگسالی آن ویژگی‌ها را سرکوب کرده‌اند. از نظر او، در واقع افراد عاشق کسانی می‌شوند که دارای ویژگی‌هایی هستند که در کودکی از آن‌ها محروم شده‌اند. در واقع با دیدن او تصور می‌کنند که دوباره به کودکی خود بازگشته‌اند و همین به آن‌ها حس سرزنده بودن می‌دهد، احساس می‌کنند که او را از قبل می‌شناسند. این آشنایی دیرینه به خاطر این است که او را واجد صفات خود می‌دانند، صفاتی که برای ورود به مرحله بزرگسالی بالاجبار از داشتن آن‌ها محروم شده‌اند و حالا با دیدن او گمان می‌کنند که «نیمه گمشده خود» را یافته‌اند. یافتن نیمه گمشده به این دلیل که افراد را به یاد دورانی می‌اندازد که شخصیت کاملی داشتند و هنوز از بخش‌هایی از آن محروم نشده بودند به آن‌ها احساس آرامش می‌دهد (هندریکس ۱۳۸۳: ۸۴-۸۶). بنابراین یافتن نیمه گمشده به عنوان ویژگی دیگری از عشق رمانتیک در این کار سنجیده شده، از آنجاکه همه افراد مرحله گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و صدمات روحی ناشی از چنین انتقالی را تجربه کرده‌اند، چنین تمایلی به یافتن نیمه گمشده و در نتیجه انتخاب بر اساس عشق رمانتیک در همه افراد وجود دارد. بنابراین عشق رمانتیک در این نظریه‌ها این گونه تعریف می‌شود: بنابر نظریه نمونه ایده‌آلی ناآگاه شامل

احساسات ایده آل‌گرایانه، برطبق نظریه زبان جهانی عشق شامل احساس یافتن نیمه گمشده و از نظر استرنبرگ عشقی است که در آن میل جنسی و صمیمیت وجود دارد.

براین اساس، می‌توان به پرسش اولیه تحقیق چنین پاسخ داد که ارزش‌های زوجیت از نظر درجه و میزان جهت‌گیری فردی و لذت‌طلبانه و یا جهت‌گیری جمعی و اخلاقی بودن متفاوت‌اند. بعضی ارزش‌های زوجیت جنبه اخلاقی دیگرخواهانه و برخی دیگر جنبه فردی و لذت‌طلبانه بیشتری دارند. بر این اساس در نمودار شماره ۱ جایگاه ارزش‌های زوجیت بر روی طیف نشان داده شده است.

نمودار ۱: طیف ارزش‌های زوجیت براساس درجه فردگرایی

بیشترین درجه فردگرایی ← کمترین درجه فردگرایی

کوشش جنسی	لذت	تمکین	وفاداری	پذیرش	احترام	نجابت	همدلی	اعتماد	صداقت	مسئولیت‌پذیری	گذشت	تحمل مشکلات	خوش اخلاقی
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

به نظر می‌رسد وجود عشق رمانتیک با تحقق ارزش‌های زوجیتی که جهت‌گیری بیشتر فردی و لذت‌طلبانه دارند رابطه مثبت قوی دارند. در

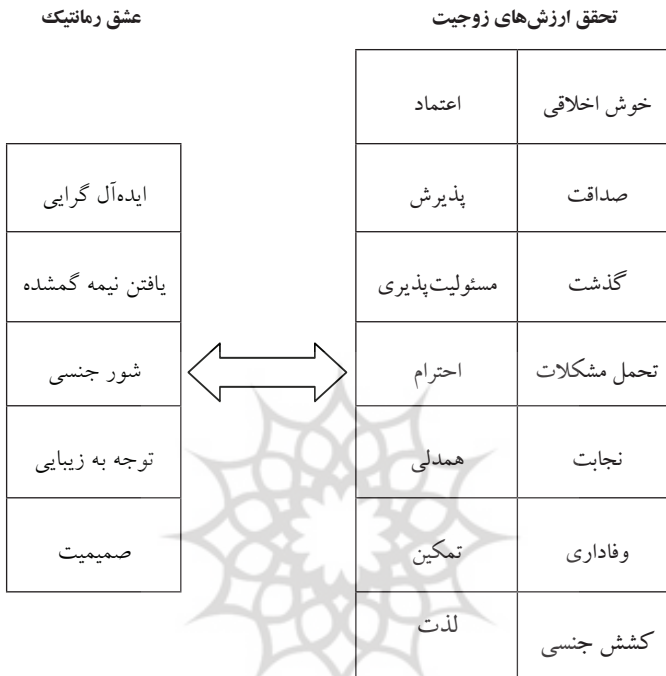
حالیکه در مورد ارزش‌های زوجیت اخلاقی نمی‌توان چنین پیوندی را انتظار داشت.

رابطه بین وجود عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت تحت تأثیر عوامل دیگری نیز قرار دارد. عواملی که موفقیت یا شکست زندگی مشترک را نیز تعیین می‌کنند. در واقع می‌توان گفت بین عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت روابط متقابلی وجود دارد، ولی نمی‌توان ادعا کرد که وجود عشق رمانتیک متضمن موفقیت زندگی مشترک خواهد بود. در نمودار زیر رابطه متقابل عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت ترسیم شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۲: رابطه متقابل عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت



۴- روش‌شناسی تحقیق

داده‌های استفاده شده در این مقاله از طریق پیمایش^۱ به دست آمده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۳۰۰ نفر از زوجین ساکن تهران‌اند که به دو گروه و در مناطق بالا، متوسط و پایین شهر تهران تقسیم شده‌اند. در واقع برای اینکه رابطه بین عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت بررسی شوند، با دخالت دادن وضعیت زندگی خانوادگی آن‌ها، نمونه از میان دو گروه انتخاب

1- survey

شده است. گروه اول، کلیه زوجینی که در نیمه اول سال ۱۳۸۹ پرونده طلاق آن‌ها در یکی از شعب دادگاه‌های خانواده شماره یک یا دو شهر تهران بسته شده و از هم جدا شده‌اند. این افراد که شامل ۱۲۰ مرد و زن می‌باشند از دو مجتمع قضایی شماره ۱ و ۲ تهران انتخاب شده‌اند. این دسته‌بندی بر اساس مناطق بالا و پایین شهر تهران صورت گرفته و سپس در هر مجتمع قضایی زوجین به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند.

گروه دوم، زوجین سه منطقه بالا، متوسط و پایین شهر تهران هستند که زندگی زناشویی عادی دارند. در انتخاب این افراد از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است، بدین ترتیب که شهر تهران به سه منطقه بالا، متوسط و پایین تقسیم شده و سپس در داخل هر منطقه بر اساس محله‌های شهری بلوک‌بندی صورت گرفته و خانوارهایی در داخل این بلوک‌ها انتخاب شدند. واحد مشاهده در تحقیق زن یا مرد بین ۲۰-۴۵ ساله بوده است.

اعتبار و روایی: درسنجش اعتبار ابزار اندازه‌گیری، از اعتبار صوری (نظر سه نفر از اساتید) و اعتبار تجربی (استفاده از تحقیقات دیگر مانند پرسش‌نامه استاندارد گولستون و گلدبرگ) استفاده شده است. این تحقیق از اعتبار سازه نیز بهره برده است، زیرا در آن از تحلیل عاملی نیز کمک گرفته شده است ($kmo=0/95$). برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن در تمامی متغیرها بالای ۰/۹ بوده است.

۵- تعریف مفاهیم

ارزش های زوجیت: منظور از ارزش های زوجیت در این تحقیق، مجموعه چهارده ارزش اخلاقی است که سبب احساس رضایت زوجین از زندگی زناشویی می شود. این ارزش ها شامل خوش اخلاقی، صداقت، گذشت، مسئولیت پذیری، تحمل مشکلات، نجات، همدلی، اعتماد، پذیرش، لذت، احترام، کشش جنسی، تمکین و وفاداری می باشد. این چهارده ارزش حداقل از دو گویه با طیف لیکرت از خیلی کم (با کد ۱) تا خیلی زیاد (با کد ۵) تشکیل شده اند.

عشق رمانتیک: عشق رمانتیک در تعریف نظری عبارت است از اینکه فرد در انتخاب همسر به عوامل ذهنی و شخصیتی فرد و آنچه در گذشته او بوده است - مانند ایده آل گرایی - و یافتن نیمه گمشده - و نیز مسائل ظاهری و عینی - مانند زیبایی طرف مقابل و داشتن کشش جنسی نسبت به او - و همچنین داشتن صمیمیت با طرف مقابل توجه کند. بنابراین عشق رمانتیک شامل ۵ مؤلفه اصلی است، که هر مؤلفه حداقل از دو گویه با طیف لیکرت از خیلی کم (با کد ۱) تا خیلی زیاد (با کد ۵) تشکیل شده است.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- ویژگی‌های جمعیتی جامعه بررسی شده

بر اساس مندرجات جدول شماره ۱، نمونه آماری تحقیق شامل ویژگی‌های زیر است:

- از مجموع ۳۰۰ نفر پاسخ‌گو، ۴۴/۶ درصد مرد و ۵۵/۳ درصد زن بوده‌اند. همچنین بالاترین درصد افراد پاسخ‌گو مربوط به سنین ۲۵ تا ۳۰ سال می‌باشد که ۳۴/۳ درصد پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند. کمترین درصد نیز به سنین ۴۰ تا ۴۵ سال مربوط می‌شود که تنها ۶ درصد از کل پاسخ‌گویان را در برمی‌گیرند. براین اساس می‌توان گفت که بیشتر پاسخ‌گویان را افراد جوان تشکیل می‌دهند.

- ۴۵ درصد از کل پاسخ‌گویان که بیشترین تعداد را نیز در برمی‌گیرند، بین ۰ تا ۵ سال از ازدواجشان می‌گذرد. کمترین تعداد پاسخ‌گویان نیز که تنها ۱ درصد آن‌ها و ۳ مورد را شامل می‌شده، مربوط به افرادی است که بین ۲۰ تا ۲۵ سال از ازدواجشان می‌گذرد.

- بیشترین تعداد افراد مربوط به کسانی است که ۱ فرزند دارند و تعداد آن‌ها ۱۴۸ مورد بوده که تقریباً نیمی از کل پاسخ‌گویان (۴۹/۳ درصد) را تشکیل می‌دهند. پس از آن افرادی هستند که فرزندی نداشته و ۲۴/۷ درصد از پاسخ‌گویان را شامل می‌شوند. همچنین کمترین پاسخ‌گویان کسانی هستند که صاحب ۲ فرزند بوده و ۲۴/۳ درصد از کل پاسخ‌گویان را

در برمی گیرند. به طور کلی بیشتر پاسخگویان کمتر از ۲ فرزند دارند.
جدول ۱: توزیع فراوانی و درصدی افراد مورد مطالعه بر حسب جنسیت، سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	ویژگی های جمعیتی		
۴۴/۷	۴۴/۷	۱۳۴	مرد	جنسیت	
۱۰۰	۵۵/۳	۱۶۶	زن		
-	۱۰۰	۳۰۰	کل		
۱۸/۵	۱۸/۳	۵۵	۲۰-۲۵ سال	سن	
۵۳	۳۴/۳	۱۰۳	۲۵-۳۰ سال		
۷۸/۹	۲۵/۷	۷۷	۳۰-۳۵ سال		
۹۴	۱۵	۴۵	۳۵-۴۰ سال		
۱۰۰	۶	۱۸	۴۰-۴۵ سال		
-	۹۹/۳	۲۹۸	کل		
-	۰/۰۶	۲	بی پاسخ		
-	۱۰۰	۳۰۰	کل نهایی		
۴۵	۴۵	۱۳۵	تا ۵ سال		مدت ازدواج
۷۹	۳۴	۱۰۲	۵-۱۰ سال		
۹۵/۷	۱۶/۷	۵۰	۱۰-۱۵ سال		
۹۹	۳/۳	۱۰	۱۵-۲۰ سال		
۱۰۰	۱	۳	۲۰-۲۵ سال		
-	۱۰۰	۳۰۰	کل		

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	ویژگی‌های جمعیتی	تعداد فرزندان
۲۴/۷	۲۴/۷	۷۴	۰ فرزند	
۷۴	۴۹/۳	۱۴۸	۱ فرزند	
۹۹	۲۵/۶	۷۷	۲ تا ۳ فرزند	
۱۰۰	۰/۳	۱	۴ فرزند و بیشتر	
-	۱۰۰	۳۰۰	کل	

۶-۲- سنخ‌شناسی ارزش‌های زوجیت

پیش از این گفته شد که ارزش‌های زوجیت براساس میزان لذت‌طلبانه و اخلاقی بودن بر روی طیف قابل توصیف و یا به چند دسته تقسیم‌پذیر است. برای آزمون این فرضیه، از تحلیل عاملی استفاده شده است. لذا لازم بود ابتدا محاسبه ضریب برازش یا kmo انجام گیرد تا معلوم شود که امکان انجام تحلیل عاملی وجود دارد. طبق نتیجه به دست آمده ضریب برازش یا kmo ۰/۹۵۸ بود که رقم بسیار بالایی است و تفسیر آن - که مقدار بالای ۰/۷ ضریب برازش بالایی محسوب می‌شود - نشان می‌دهد که امکان دسته‌بندی ارزش‌ها براساس تحلیل عاملی وجود دارد. همچنین ضریب بارتلت به دست آمده ۴۹۱۷/۲ می‌باشد که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰، داده‌ها عامل‌پذیر بوده و ماتریس همبستگی، غیرهمانی است.

براساس نتایج تحلیل عاملی، ارزش‌های زوجیت به سه دسته تقسیم می‌شوند. مطابق جدول شماره ۲، کشش جنسی به عنوان ارزش زوجیتی که یکی از مؤلفه‌های عشق رمانتیک است به عنوان فردگراترین ارزش زوجیت در یک دسته جداگانه قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت به یقین وجود عشق رمانتیک در انتخاب همسر، انتظار تحقق ارزش کشش جنسی را به دنبال خواهد داشت.

از آنجا که عشق رمانتیک یکی از ویژگی‌های مهم از فرهنگ فردگرایی مدرن است، ازدواجی که بر اساس چنین معیاری صورت گرفته باشد برای طرفین این انتظار را به وجود خواهد آورد که خودخواهانه‌ترین و یا به عبارتی فردگرایانه‌ترین امیال آن‌ها را نیز جوابگو باشد. اما زمانی که زوجین به خاطر برطرف نشدن کشش و میل جنسی نسبت به طرف مقابل - که ممکن است بعد از مدتی و با گذشت زمان نسبت به روزهای اول کمتر شده باشد - مبادرت به طلاق می‌ورزند می‌توان اهمیت این مسئله را با توجه به خسارات روحی، اجتماعی، اقتصادی و... جبران‌ناپذیر به زوجین و احتمالاً فرزند یا فرزندان آن‌ها بیشتر درک نمود.

لذت، تمکین، پذیرش و احترام به عنوان ارزش‌های زوجیتی که درصد بالایی از فردگرایی را در خود دارند، به همراه ارزش‌های زوجیت نجابت، وفاداری، همدلی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد و تحمل مشکلات در یک گروه قرار دارند. نجابت و وفاداری ارزش‌هایی هستند که توقع همسر در آن‌ها

بسیار دخالت دارد و لذا به ارزش‌های فردی که رعایت حقوق دیگران در آن‌ها اصل است مربوط می‌شوند. در گروه دوم ارزش‌هایی مانند اعتماد، همدلی، مسئولیت‌پذیری، تحمل مشکلات قرار دارند. این ارزش‌ها نیز هرچند کمتر از ارزش‌های قبلی ریشه فردگرایانه دارند، ولی از حقوق زن و شوهر در چارچوب زندگی زناشویی دفاع می‌کنند.

در دسته سوم، ارزش‌هایی مانند خوش اخلاقی، صداقت و گذشت دیده می‌شوند که تا حدودی عام‌تر از ارزش‌های ذکر شده در دو گروه دیگر بوده و می‌توان گفت ارزش‌های عام اخلاقی هستند که در همه روابط انسانی و نه فقط در رابطه زناشویی مهم‌اند.

لازم به توضیح است که دسته دوم تجمیع ارزش‌های متنوع است. در این دسته از یک‌سو ارزش‌های زوجیت فردگرایانه‌ای مانند لذت، تمکین، پذیرش، همدلی و وفاداری قرار دارند و از سوی دیگر ارزش‌های اخلاقی مانند مسئولیت‌پذیری، احترام، اعتماد، نجابت و تحمل مشکلات در این گروه قرار می‌گیرند. افراد پاسخ‌گو در «زندگی خانوادگی» ارزش‌های متفاوتی را مهم می‌پندارند و یا به عبارت دیگر به ارزش‌های فردگرا مانند لذت و تمکین و نیز ارزش‌های غیر خودخواهانه‌تر و به لحاظ اخلاقی عام‌تر مانند تحمل مشکلات وزن یکسانی می‌دهند. از این رو می‌توان گفت که مؤلفه‌های عشق رمانتیک به خودخواهی زوجین در زندگی زناشویی دامن نمی‌زند. بر همین اساس می‌توان گفت دسته دوم ترکیب متعادل دارد.

در گروه سوم، سه ارزش اخلاقی صداقت، خوش اخلاقی و گذشت وجود دارند. این سه ارزش به شدت عام بوده و رعایت آن‌ها در هر رابطه اجتماعی انتظار می‌رود و از نظر زوجین مطالعه شده در زندگی زناشویی نیز ارزش یکسانی دارند. دسته اول ارزش‌های زوجیت، کشش جنسی، دسته دوم ارزش‌های دستیابی و یا تحقق زندگی خانوادگی و دسته سوم ارزش‌های اخلاقی نام‌گذاری شده‌اند. در مجموع، نتایج تحلیل عاملی طبقه‌بندی ارزش‌های زوجیت بر اساس فردگرایانه، دگرخواهانه یا اخلاقی بودن را تأیید می‌کند. در جدول شماره ۲ نتایج حاصل از تحلیل عاملی چهارده ارزش زوجیت آورده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲: دسته‌بندی ارزش‌های زوجیت براساس نتایج تحلیل عاملی

سرخ‌های اصلی	ارزش‌های زوجیت	بارعاملی	واریانس عامل‌ها
ارزش‌های خاص زناشویی	کشش جنسی	۰/۳۲۷	۲۷/۲۶
ارزش‌های دستیابی به زندگی مشترک	پذیرش تمکین نجابت وفاداری همدلی تحمل مشکلات لذت اعتماد مسئولیت پذیری احترام	۰/۷۱۹ ۰/۷۴۹ ۰/۷۷۰ ۰/۷۹۰ ۰/۸۱۱ ۰/۸۱۳ ۰/۸۲۱ ۰/۸۶۵ ۰/۸۸۱ ۰/۸۸۰	۱۷/۴۷
ارزش‌های اخلاقی خانوادگی	صداقت خوش اخلاقی گذشت	۰/۶۳۶ ۰/۴۷۹ ۰/۴۲۳	۷/۰۰
واریانس کلی		۵۰/۴۷	

۳-۶- رابطه میان عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت

نتایج بررسی‌های آماری حاکی است رابطه بین مؤلفه عشق رمانتیک در ازدواج و همسرگزینی در گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت است. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد رابطه معنی‌داری میان عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت در میان افرادی که از زندگی زناشویی خود رضایت داشته‌اند، وجود دارد (سطح معناداری ۰/۰۰۰، ضریب همبستگی ۰/۳۳۲) بنابراین می‌توان گفت میان متغیرهای مذکور در گروه اول رابطه مثبت وجود دارد.

نتایج آزمون پیرسون حاکی است میان انتخاب همسر براساس عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت در گروه افراد جدا شده از همسر رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۳: بررسی رابطه بین عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت به تفکیک نوع

رابطه زوجین

تفکیک گروه‌ها بر اساس نوع رابطه آزمون آماری	کل	دارای رضایت از زندگی زناشویی	گروه جدا شده از همسر
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۷۰	۰/۳۶۲	۰/۰۵۰
سطح معناداری	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰	۰/۵۸۴
تعداد معیّر	۳۰۰	۱۸۰	۱۲۰

بررسی رابطه جداگانه هر کدام از ارزش‌های زوجیت با انتخاب همسر بر اساس معیار عشق رمانتیک اطلاعات بیشتری در این باره به دست می‌دهد. براساس نتایج آزمون پیرسون، در گروه دارای رضایت از زندگی زناشویی میان انتخاب همسر براساس عشق رمانتیک و تحقق ارزش زوجیت خوش اخلاقی رابطه مثبت وجود دارد (سطح معناداری ۰/۰۰۵ و ضریب همبستگی ۰/۲۹۵)، ولی در گروه افراد جدا شده میان عشق رمانتیک و تحقق ارزش زوجیت خوش اخلاقی رابطه وجود ندارد.

مطابق داده‌های جدول، با مقایسه گروه افراد دارای رضایت از زندگی زناشویی و افراد جدا شده از همسر، در نظر داشتن معیارهای رمانتیک در گروه افراد عادی و نیز گروه جدا شده از همسر ارزش زوجیت خوش اخلاقی

رابطه میان عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت

را محقق کرده است، اما در گروه ناراضی از زندگی زناشویی بخش‌هایی از عشق رمانتیک مانند زیبایی و کشش جنسی اهمیت بیشتری دارد و به تطابق فکری و اخلاقی طرفین و ارزش‌های اخلاقی توجه جدی نشده است. این وضعیت سبب کاهش کشش ظاهری در طول زمان و در نتیجه نارضایتی از زندگی زناشویی شده است. در جدول شماره ۴ همبستگی تحقق ارزش‌های زوجیت و عشق رمانتیک، به تفکیک گروه‌های دارای رضایت از زندگی زناشویی و یا طلاق درج شده است.

جدول ۴: رابطه عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های چهارده گانه زوجیت به تفکیک

چگونگی زندگی خانوادگی

گروه جدا شده از همسر		گروه دارای شرایط زندگی عادی		چگونگی زندگی خانوادگی ارزش‌های زوجیت
معنی‌داری سطح	ضریب همبستگی پیرسون	معنی‌داری سطح	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۱۳	۰/۱۵۰	۰/۰۰۵	۰/۲۹۵	خوش اخلاقی
۰/۰۳۳	۰/۲۳۱	۰/۰۰۲	۰/۲۶۹	صداقت
۰/۰۶۰	۰/۱۷۲	۰/۳۰	۰/۱۶۲	گذشت
۰/۷۸۸	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰	مسئولیت‌پذیری
۰/۰۱۱	۰/۴۸۶	۰/۰۰۰	۰/۱۸۹	تحمل مشکلات
۰/۴۴۵	۰/۲۱۹	۰/۰۰۰	۰/۰۵۷	نجابت
۰/۴۵۵	۰/۰۶۹	۰/۱۰۳	۰/۱۲۲	همدلی
۰/۱۰۸	۰/۱۴۷	۰/۰۸۰	۰/۱۳۱	اعتماد

گروه جدا شده از همسر		گروه دارای شرایط زندگی عادی		چگونگی زندگی خانوادگی ارزش‌های زوجیت
سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۵۲۳	۰/۰۵۹	۰/۰۰۱	۰/۲۵۱	پذیرش
۰/۰۰۰	۰/۲۵۷	۰/۰۰۱	۰/۴۲۶	لذت
۰/۲۳۳	۰/۰۸۹	۰/۰۲۲	۰/۲۸۲	احترام
۰/۰۰۰	۰/۷۲۰	۰/۰۰۵	۰/۲۱۰	کشش جنسی
۰/۰۹۳	۰/۱۵۴	۰/۰۰۰	۰/۳۲۵	تمکین
۰/۴۶۵	۰/۰۵۵	۰/۰۰۰	۰/۳۵۸	وفاداری

براساس نتایج آزمون پیرسون در گروه افراد دارای شرایط زندگی عادی، میان انتخاب همسر براساس عشق رمانتیک و تحقق ارزش زوجیت صداقت رابطه وجود دارد (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۲ و همبستگی پیرسون ۰/۲۶۹)، اما در گروه جدا شده از همسر چنین رابطه‌ای دیده نمی‌شود. همچنین در گروه افراد دارای زندگی عادی و نیز افراد جدا شده از همسر میان عشق رمانتیک و ارزش اخلاقی گذشت رابطه‌ای دیده نشده است. در گروه دارای زندگی عادی میان عشق رمانتیک و ارزش اخلاقی مسئولیت‌پذیری رابطه وجود دارد (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۰۲۰)، اما در گروه جدا شده از همسر رابطه‌ای میان دو متغیر مذکور دیده نشده است.

براساس نتایج تحقیق، میان انتخاب همسر براساس معیارهای عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت، با تحمل مشکلات در افراد دارای رضایت از زندگی زناشویی رابطه مستقیم وجود دارد (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۱۸۹)، در حالی که این رابطه در میان افراد جداشده از همسر وجود ندارد. همچنین در گروه افراد دارای رضایت از زندگی زناشویی، میان انتخاب همسر بر اساس عشق رمانتیک و تحقق ارزش زوجیت نجات رابطه معنی‌دار مستقیمی وجود دارد. (سطح معناداری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۰۵۷)، اما در گروه جدا شده از همسر میان دو متغیر مذکور رابطه‌ای دیده نشده است.

بر اساس نتایج تحقیق، در هیچ‌یک از دو گروه میان عشق رمانتیک و دو ارزش اخلاقی همدلی و اعتماد رابطه معنی‌داری دیده نشده است.

بر اساس نتایج، میان عشق رمانتیک و ارزش اخلاقی پذیرش در گروه اول رابطه معنی‌داری دیده شده است (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۲۵۱). در حالی که در گروه جدا شده از همسر این رابطه وجود ندارد. این امر حاکی است که زوجین جدا شده از همسر با وجود استفاده از عشق رمانتیک در انتخاب خود، به دلیل نادیده گرفتن سایر ابعاد شخصیت یکدیگر، پس از مدتی نتوانسته‌اند خصوصیات یکدیگر را پذیرا شوند.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد در هر دو گروه میان انتخاب همسر براساس عشق رمانتیک و تحقق ارزش زوجیت لذت در زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ولی در گروه دارای زندگی رضایت بخش ضریب همبستگی بالاتر است (گروه اول: سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۴۲۶-، گروه دوم: سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۲۵۷).

بر اساس نتایج به دست آمده، میان عشق رمانتیک و ارزش اخلاقی احترام در هیچیک از دو گروه رابطه معنی‌داری دیده نشده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که قوی‌ترین رابطه معنی‌دار میان انتخاب همسر براساس عشق رمانتیک و کشش جنسی در بین افراد جدا شده از همسر وجود داشته است (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۷۲۰). این در حالی است که در گروه دارای زندگی عادی نیز میان عشق رمانتیک و کشش جنسی رابطه معنی‌دار وجود دارد (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۵ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۲۱۰). با توجه به این نتایج، ضریب همبستگی کشش جنسی و عشق رمانتیک در میان افراد جدا شده از همسر نزدیک به چهار برابر گروهی است که زندگی خانوادگی موفقیت‌آمیزی دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد، در افراد جدا شده از همسر کشش جنسی با عشق رمانتیک رابطه قوی داشته است. در مقابل، براساس نتیجه آزمون پیرسون در گروه افراد دارای زندگی عادی، میان دو متغیر انتخاب براساس عشق رمانتیک و

رابطه میان عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت

ارزش زوجیت تمکین رابطه معنی‌داری وجود دارد (سطح معنی‌دار ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۳۲۵)، در حالی که در گروه جدا شده از همسر، میان دو متغیر مذکور رابطه‌ای دیده نشده است.

مطابق نتایج به دست آمده، در گروه دارای زندگی عادی، میان عشق رمانتیک و ارزش اخلاقی وفاداری رابطه معنی‌دار وجود دارد (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۳۵۸)، در حالی که در گروه جدا شده از همسر میان این دو متغیر رابطه‌ای دیده نشده است، یعنی در گروه با زندگی خانوادگی رضایت‌بخش، عنصر تمکین و وفاداری با عشق رمانتیک همبودی داشته و مقادیر آن به نسبت بالاست، این در حالی است که در گروه دوم چنین رابطه‌ای دیده نشده است.

در مجموع یافته‌های تحقیق حاکی است، در میان افراد جدا شده از همسر عشق رمانتیک قوی‌ترین همبستگی را با کشش جنسی داشته است، در حالی که بین افراد دارای زندگی زناشویی رضایت‌بخش عشق رمانتیک در بستر ارزش‌های اخلاقی زوجیت مانند خوش اخلاقی، صداقت، مسئولیت‌پذیری، تحمل مشکلات، نجابت، پذیرش، لذت، کشش جنسی، تمکین و وفاداری جریان دارد.

۷- بحث و نتیجه گیری

گرچه در فرهنگ ما از دیرباز، حتی در ازدواج‌های تنظیم شده نیز، همواره عشق وجود داشته است،^۱ اما پدیده عشق رمانتیک به عنوان تعریفی فردگرایانه از عشق، مفهوم به نسبت جدیدی در روابط میان افراد و به خصوص در میان جوانان است. به نظر می‌رسد اهمیت یافتن این موضوع در اشاعه «فرهنگ مدرن» ریشه دارد. در تحقیق حاضر برای بررسی مفهوم عشق رمانتیک از سه نظریه نمونه ایده‌آلی ناآگاه کارل یونگ، نظریه قصه عشق استرنبرگ و نیز نظریه یافتن نیمه گمشده هندریکس استفاده شد.

در تبیین ارزش‌های زوجیت از نظریه گولستون و گلدبرگ استفاده شد، اما با توجه به فرهنگ بومی، از ۸ ارزش اخلاقی دیگر همچون نجابت و تمکین که بیشتر ارزش‌های عام اخلاقی بوده و ریشه در فرهنگ ایرانی حقوق اسلامی دارند بهره برده شد. تلفیق ارزش‌های فرهنگ بومی با نظریه‌های مربوط به ارزش‌های زوجیت ملهم از مقایسه نتایج تحقیقات خارجی با تحقیقات داخلی بوده است. در این تحقیق، براساس نتایج تحلیل عاملی فرضیه وجود سه سنخ از ارزش‌های زوجیت یعنی میزان اخلاقی یا فردگرایانه ولذت‌طلبانه بودن تایید شد.

۱- شواهد آن را می‌توان در منابع فرهنگی مانند ادبیات ایران، تاریخ اجتماعی ایران، سفرنامه‌ها و فرهنگ عامه ملاحظه کرد.

برای بررسی عشق و ارزش‌های زوجیت، در تحقیقات خارج از کشور بیشتر به ارتباط میان جنسیت و یا روابط جنسی و عشق رمانتیک پرداخته شده است. در حالی که تحقیقات داخلی همواره عشق را به عنوان پدیده‌ای ارزشی قلمداد کرده‌اند. بر این اساس در این مقاله روابط جنسی نیز به عنوان بخشی از ارزش‌های زوجیت مطرح شده است.

برای نمونه اکرم صادقی‌فر در تحقیق خود با فرض تغییر عشق در طول زندگی زناشویی، به این نتیجه می‌رسد که برخی مسائل مانند عدم انطباق همسر با ایده‌آل ذهنی، برآورده نشدن توقعات و نیازها، عدم پذیرش طرف مقابل، عدم امکان گفت‌وگوی صادقانه و مشکلات مالی باعث تغییر رابطه عاشقانه میان زوجین و کم‌رنگ‌تر شدن این احساسات میان زوجین می‌شود. سایر تحقیقات نیز مؤید این مسئله است. هرچند در تحقیق صادقی‌فر برای بررسی تأثیر عشق در برخی ارزش‌های اخلاقی تلاش‌هایی شده بود، اما این مقاله با تفکیک ارزش‌های اخلاقی و جداسازی آن‌ها از سایر مسائل مانند مشکلات اقتصادی بر تأثیر انتخاب عاشقانه در تحقق ارزش‌های زوجیت در چارچوب خانواده متمرکز شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تشکیل خانواده و استمرار آن با تحقق ارزش‌های زوجیت پیوندی بنیادی ندارد.

یافته‌های تحقیق مؤید تأثیر تعیین‌کننده ارزش‌های زوجیت در پایداری خانواده و رضایت از زندگی خانوادگی است. این یافته در تحقیقات دیگر نیز تأیید شده است. نتایج یافته‌های نشان داد که مؤلفه‌های اخلاقی سبب

رضایت از زندگی زناشویی می‌شوند، ارزش‌هایی که رعایت آن‌ها از سوی زوجین باعث رضایت آن‌ها از زندگی مشترک و استمرار زندگی خانوادگی می‌شود.

بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر در گروه افراد دارای رضایت از زندگی زناشویی، عشق رمانتیک با تحقق ارزش‌های عقلی - عاطفی زناشویی همسویی دارند، در حالی که این نتیجه در گروه جدا شده از همسر دیده نمی‌شود. علی‌رغم وجود عنصر عشق رمانتیک در انتخاب همسر میان گروهی که درگیر طلاق شده‌اند، محقق نشدن ارزش‌های عقلی - عاطفی زوجیت در میان آن‌ها بیشتر خود را نشان می‌دهد. در مجموع، وجود رابطه مثبت میان استفاده از عشق رمانتیک در همسرگزینی همراه با تحقق ارزش‌های زوجیت در افراد دارای زندگی خانوادگی رضایت‌بخش تأیید شده است. در گروه دوم (مطلقه) وضعیت متفاوت است. در میان این پاسخ‌گویان، هر چه فردی بیشتر جنبه‌های مادی و غریزی عشق رمانتیک را در انتخاب همسر در نظر گیرد، ممکن است کمتر بتواند ارزش‌های زناشویی دیگر را محقق سازد و لذا احتمال مواجهه با طلاق بیشتر است. ممکن است گروه دوم (مطلقه) در انتخاب همسر بیشتر به وجه جنسی و تمایل فیزیکی و مادی یا غریزی عشق رمانتیک توجه داشته‌اند که چنین انتخابی در نهایت منجر به جدایی از همسر شده است (درگروه دوم به ارزش‌های زوجیتی غریزی و مادی که درجه فردگرایی بیشتری دارند مانند لذت و کشش جنسی بیشتر توجه شده است).

البته این موضوع نیازمند بررسی بیشتر در سایر تحقیقات می‌باشد. آنچه اهمیت دارد این است که استفاده از معیارهای فردی مانند عشق در ازدواج نیز باید از یک سو با خودآگاهی فردی و نوعی شناخت کامل عقلی و فطری نسبت به خود و انتظارات خود و از سوی دیگر در ارتباط با ارزش‌های اخلاقی زوجیت صورت گیرد. از این طریق می‌توان تحقق ارزش‌های زوجیت و در نتیجه رضایت از زندگی خانوادگی را انتظار داشت. به نظر می‌رسد با توجه به جریان فرهنگی و سبک زندگی رایج و غالب در جامعه جدید جهانی، رسوخ نوعی فردگرایی و به دنبال آن عشق رمانتیک در انتخاب همسر - به‌خصوص در میان بخش چشمگیری از جوانان - اجتناب‌ناپذیر است. با این حال می‌توان با به کارگیری اصول اخلاقی و ارزشی که ریشه در دین و فرهنگ جامعه‌ها دارند، به ارزش‌های اخلاقی زوجیت - به عنوان هدف نهایی و عامل حفظ روابط زوجیت و به دنبال آن خانواده - توجه کرد؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم نیز ازدواج با کسانی که قبل از ازدواج دوستی‌های غیرشرعی داشته‌اند را نهی فرموده و همچنین در ازدواج، زنان پاک را شایسته مردان پاک و زنان ناپاک را شایسته مردان ناپاک می‌داند: «زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین و صف‌اند و مردان زشتکار و ناپاک نیز شایسته زنانی بدین صفت‌اند و (بالعکس) زنان پاکیزه نیکو لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه نیکو لایق زنانی همین گونه‌اند، و این پاکیزگان از سخنان بهتانی که ناپاکان درباره آنان گویند منزه‌اند و بر ایشان آمرزش و

رزق نیکوست» (نور: ۲۶). همچنین خداوند در آیه ۲۱ سوره روم مودت و رحمت بین زوجین را از نشانه‌های الهی برمی‌شمرد. در واقع مطابق وعده الهی، ازدواج ضمن آرام کردن امواج ملتهب شهوانی باعث ایجاد آرامش و مودت و رحمت بین زوجین می‌شود که این همان هدیه خاص خداوند به ایشان است: «و از آیات او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به واسطه‌ی آنها آرامش بیابید و میان شما دوستی و محبت قرار داد، همانا در این امر نشانه‌هایی برای گروهی که تفکر کنند وجود دارد» (روم: ۲۱). در پایان پیشنهاد می‌شود از نتایج این تحقیق در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که در نهادهایی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت ورزش و جوانان در مورد ازدواج جوانان و خانواده صورت می‌گیرد و نیز همچنین اقداماتی که برای فرهنگ‌سازی به‌خصوص انطباق درست فرهنگ ایرانی - اسلامی با عناصر فرهنگ مدرن، که به صورت اجتناب‌ناپذیری وارد فرهنگ ما می‌شوند، استفاده شود. سیاست‌گذاری که مبنای آن بر توجه به چند بعدی بودن ارزش‌های اخلاقی زوجیت از یک‌سو و حضور عناصری از عشق در ازدواج از سوی دیگر دلالت می‌کند.

منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ تبریزی، منصوره. رضایت از رابطه زناشویی از رهگذر کنش اخلاقی (باتأکید بر جامعه زنان)، (دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی)، (۸۸-۱۳۸۷).
- ◀ اعزازی، شهلا ۱۳۷۶. *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ◀ حسینی، سید مهدی ۱۳۷۵. *مشاوره درآستانه ازدواج*، تهران، آوای نور.
- ◀ خدایی، غلامحسین و دیگران ۱۳۸۵. *دیروز- من- امروز- ما، دانستنی‌های مفید برای یک زندگی سالم و پایدار*، مشهد، سخن گستر.
- ◀ ساروخانی، باقر ۱۳۸۱. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، سروش.
- ◀ صادقی‌فر، اکرم. بررسی وضعیت عشق در ازدواج و چگونگی تغییر آن در طول زندگی مشترک (با تمرکز بر تفاوت نگاه مردان و زنان)، (دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی)، استاد راهنما: دکتر نعمت‌الله فاضلی، (۱۳۸۷).
- ◀ گیدنز، آنتونی ۱۳۷۸. *جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نی.
- ◀ گولستون، مارک و فلیپ گلدبرگ ۱۳۸۳. *شش راز عشق پایدار*، ترجمه آروشا صلح جویی، تهران، افکار.
- ◀ نیک گهر، عبدالحسین ۱۳۸۳. *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران، توتیا.
- ◀ هندریکس، هارویل ۱۳۸۳. *بازگشت به عشق*، ترجمه هادی ابراهیمی، تهران، نسل نواندیش.
- -Kephart, W. M. "Some Correlates of Romantic Love", *Journal of Marriage and Family*, Vol 29, No 3 (Aug 1967).
- -Wilkinson, M. L. "Romantic Love and Sexual Expression. The Family Coordinator", Vol. 27 No 2 (Apr 1978).